

رژیم‌های مالی نفت و گاز

Petroleum Fiscal Regimes

مهم‌ترین ویژگی‌های یک رژیم مالی علاوه بر توزیع عادلانه منافع حاصل از سرمایه‌گذاری بخش بالادستی نفت و گاز (عملیات نفتی) بین دولت صاحب ذخایر و شرکت عملیاتی (پیمانکار)، امکان تأثیرگذاری بر تصمیمات پیمانکار از طریق ایجاد انگیزه لازم برای بهره‌برداری بهینه از ذخایر موجود، توسعه منابع و ذخایر نفت و گاز و همچنین دسترسی به تکنولوژی و دانش روز، جذب منابع مالی لازم و افزایش اشتغال و توسعه منطقه‌ای است (امیرمعینی، ۱۳۸۵: ۱۰۶).

هر چند این صنعت بسیار سرمایه‌بر است، ولی به دلیل حجم بالای تولید، هزینه‌های متوسط و نهایی تولید در سطح پایینی قرار می‌گیرند و از آنجا که سطح قیمت‌ها در بازارهای بین‌المللی بسیار بیشتر از هزینه نهایی تولید است سود هنگفتی ایجاد می‌شود که به آن رانت اقتصادی اطلاق می‌شود. رانت اقتصادی در فعالیت‌های بالادستی نفت و گاز با توجه به حق مالکیت، اجاره زمین، تجدیدنپذیر بودن (کمیابی منابع)، محدودیت ارائه پروانه‌های بهره‌برداری و هزینه کم استخراج منابع در مقایسه با سایر مناطق ایجاد می‌شود. البته قیمت نفت خام در بازارهای بین‌المللی به جز هزینه نهایی تولید، تابع عوامل دیگری نظیر عوامل بنیادین و عوامل روانی است که می‌تواند بر میزان رانت اقتصادی مؤثر باشد. می‌توان گفت که رانت اقتصادی بخشی از بازده ناشی از فعالیت اقتصادی است که دولت‌ها می‌توانند بدون لطمه‌زدن به جریان تولید از پیمانکار (سرمایه‌گذار) اخذ کنند و با این هدف به دنبال ابزاری هستند که در یک چارچوب قانونی رانت حاصل از فعالیت‌های اکتشافی و استخراجی نفت و گاز را جذب کنند. بر این اساس رژیم‌های مالی در رابطه با منابع هیدروکربوری تدوین شده‌اند. یک رژیم مالی علاوه بر اینکه درآمد را میان کشور میزبان (دارنده ذخایر) و شرکت‌های نفتی تقسیم می‌کند بایستی نسبت به اندازه

مخزن، ساختار و میزان هزینه و قیمت نفت انعطاف‌پذیر باشد و در صورت تغییر شرایط متعدد فنی مخزن و بازار نفت بتواند حداکثر درآمد را برای دولت (مالک ذخایر) با توجه به حفظ انگیزه لازم برای ادامه فعالیت پیمانکار با حداکثر بهره‌وری ایجاد کند (امیرمعینی، ۱۳۸۵: ۹۴).

دولت‌ها با وضع قوانین و مقررات می‌توانند رانت اقتصادی را به صورت مالیات، بهره مالکانه و پاداش دریافت کنند. این مجموعه قوانین در محدوده قراردادهای نفتی بین‌المللی و اغلب میان دولت‌ها و پیمانکاران نفتی بین‌المللی برای چگونگی و نحوه تقسیم منافع حاصل از محصولات تولیدی منعقد شده و به مرحله اجرا گذارده می‌شود (امیرمعینی، ۱۳۸۴: ۱۹).

رژیم‌های مالی در صنعت نفت

در تدوین یک رژیم مالی لازم است قوانین و اسناد بالادستی یک کشور مورد توجه قرار گیرد و لذا می‌توان گفت که رژیم مالی در چارچوب قانون منابع هیدروکربونی و یا قانون نفت مفهوم می‌یابد. قانون نفت در حقیقت با در نظر گرفتن قانون اساسی، قوانین مربوط به مالکیت، قراردادها، مالیات‌ها و حتی قوانین مدنی، کیفری، شبه جرم صادرات، واردات و مانند آن تدوین می‌شود. در نتیجه از یک سو بسیاری از مباحث کلیدی مورد مذاکره در چارچوب معین و شفاف قرار می‌گیرد و زمان مذاکرات برای رسیدن به توافق نهایی کوتاه‌تر می‌شود (Boykett, 2012: 15).

در یک تقسیم‌بندی کلی سیستم‌های مالی در صنعت نفت در دو گروه اصلی طبقه‌بندی می‌شوند که یکی سیستم امتیاز انحصاری یا سیستم بهره مالکانه/مالیات و دیگری سیستم قراردادی است که قراردادهای مشارکت در تولید و قراردادهای خدمت را در بر می‌گیرد (Johnston, 2008: 2).

سیستم امتیاز انحصاری

سیستم امتیاز انحصاری همان سیستم بهره مالکانه/ مالیات است که در این سیستم طبق قوانین حاکم بر یک کشور و همچنین قوانین و مقررات حاکم بر بخش نفت، دولت امتیاز اکتشاف و تولید نفت در منطقه مشخصی را در دوره زمانی معینی طبق شرایط مشخص به پیمانکار (شرکت عملیاتی) واگذار می‌کند و در مقابل این شرکت تعهد می‌کند که پس از سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از ذخایر نفت مبالغی تحت‌عنوان بهره مالکانه و مالیات به دولت بپردازد. در این سیستم پیمانکار در صورت اکتشاف میدان نفتی در مقیاس تجاری، مالک نفت در دوره قرارداد بوده و تنها موظف به پرداخت حقوق دولتی است (Johnston, 2008: 2).

قرارداد امتیاز انحصاری نخستین شکل از قراردادهای نفتی است و «امتیازنامه» سندی است که به‌موجب آن دولت با استفاده از حاکمیت خود، حقوقی را برای صاحب امتیاز در نظر می‌گیرد و در نتیجه شرایط امتیاز تابع اراده دولت اعطاکننده است. این نوع قراردادها به «امتیازنامه» نیز مشهورند (امیرمعینی، ۱۳۹۵: ۲۷۵).

سیستم‌های قراردادی

در سیستم‌های قراردادی برخلاف امتیازی، موضوع اکتشاف و بهره‌برداری از ذخایر نفتی در منطقه‌ای معین و همچنین تعهدات طرفین (دولت و پیمانکار) طبق قرارداد مشخصی بین کارفرما و شرکت عملیاتی منعقد می‌شود. این نوع قراردادها حاوی شرایط مشخصی از جمله دوره قرارداد، نحوه بازپرداخت هزینه‌ها، پاداش پیمانکار، داوری و مانند آن است. قراردادهای مشارکت در تولید و خدمت در این گروه قرار می‌گیرند (Zuhairah, 2014: 34).

قرارداد مشارکت در تولید

این نوع قرارداد برای اولین بار به‌وسیله اندونزی در سال ۱۹۶۶ میلادی معرفی شد (Bindemann, 1999: 10) در این نوع قرارداد، پیمانکار یا شرکت بین‌المللی می‌بایست کلیه هزینه‌ها را به‌عهده گیرد و تنها در صورتی که عملیات اکتشافی موفقیت‌آمیز باشد و حجم ذخایر اکتشافی نیز توجیه اقتصادی داشته باشد، شرکت پیمانکار می‌تواند این هزینه‌ها را از طریق اختصاص بخشی از نفت تولیدشده پوشش دهد و سپس تولید باقی‌مانده میان دولت (کارفرما) و شرکت پیمانکار تقسیم می‌شود (Johnston, 2008: 4).

تسهیم نفت سود به روش‌های متعددی در کشورهای گوناگون انجام می‌شود از جمله تسهیم به‌صورت درصد ثابت، مقیاس پله‌ای کل تولید میدان، مقیاس پله‌ای تولید تجمعی، مقیاس پله‌ای تولید روزانه و تجمعی، مقیاس پله‌ای و فاکتور R (فاکتور R از تقسیم درآمد انباشته‌شده بر کل هزینه‌های انباشته‌شده به‌دست می‌آید که می‌تواند در مراحل گوناگون پروژه مقادیر متفاوتی را اختیار کند و بر اساس مقدار R نرخ مشخص خواهد شد. $(1 \leq R \leq 1)$ ، مقیاس پله‌ای، فاکتور R و سطح تولید میدان، مقیاس پله‌ای نرخ بازگشت سرمایه، مقیاس پله‌ای و زمان بازگشت سرمایه و در نهایت مقیاس پله‌ای تولید و قیمت. در این نوع قراردادها به‌طور معمول شرکت عملیاتی موظف به پرداخت مالیات بر درآمد است (Boykett, 2012: 84).

قرارداد خدمت

در قراردادهای پیمانکاری و خدمت، مالکیت کامل منابع نفت و گاز در اختیار دولت است و پیمانکار فقط سهمی از منافع حاصل از فروش را به‌صورت نقد دریافت می‌کند. در این نوع قرارداد دولت میزبان (کارفرما) متعهد می‌شود تا در ازای انجام عملیات اکتشاف و توسعه میادین نفتی در محدوده مکانی و زمانی مشخص و تأمین مالی آن به‌وسیله

قراردادهای مشارکت در تولید به پیمانکاران پرداخت می‌شود. قراردادهای خدمت فیلیپین و اکوادور ازجمله قراردادهای خدمت با ریسک است (Johnston, 2008: 3).

کتاب‌شناسی

امیرمعینی، مهران (۱۳۹۵). "رژیم‌های مالی در صنعت نفت: مروری بر قراردادهای نفتی"، راهنمای اقتصاد و تجارت نفت و گاز. هزاره سوم اندیشه، ۱۳۹۵.

امیرمعینی، مهران، حاجی میرزایی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۴). رژیم‌های مالی در صنعت نفت: نظام مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران، تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

امیرمعینی، مهران (۱۳۸۵). «کاربرد ابزارهای مالی در قراردادهای نفت و گاز؛ الگویی برای ایران»، فصل‌نامه اقتصاد انرژی، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۸۵.

Bindemann, Kristen (1999). «Production-Sharing Agreements: An Economic Analysis», *Oxford Institute for Energy Studies*, 1999.

Boykett, Tim [et all] (2007). *Oil Contracts*, Times Up Press.

Johnston, David, Johnston, Daniel & Rogers, Tony (2008). *International Petroleum Taxation for the Independent Petroleum Association of America*.

Zuhairah, Ariff Abd Ghadas. & Sabah, Karimsharif (2014). «Types and Features of International Petroleum Contracts», *South East Asia Journal of Contemporary Business, Economics and Law*, Vol. 4, Issue 3, 2014.

مهران امیرمعینی

شرکت ملی نفت ایران

شرکت عملیاتی، علاوه بر بازپرداخت هزینه‌های اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری، حق الزحمه و پاداشی را نیز به پیمانکار پرداخت کند. در برخی از قراردادهای خدمت پیمانکار موظف به پرداخت مالیات بر درآمد نیز هست (Johnston, 2008: 4).

قراردادهای خدمت به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: قرارداد خدمت بدون ریسک، قرارداد خدمت با ریسک.

قرارداد خدمت بدون ریسک

این نوع قرارداد به‌طور عمده در بخش پیمانکاری صنعت نفت مورد استفاده قرار می‌گیرد، در این نوع قرارداد پیمانکار برای انجام خدمات خود مستحق دریافت دستمزد است و البته برای ایجاد انگیزه و جذاب کردن آن پاداش‌هایی نیز از سوی دولت میزبان ارائه می‌شود (Johnston, 2008: 3). قراردادهای بیع متقابل ایران را نیز می‌توان در این گروه طبقه‌بندی کرد. در این نوع قرارداد بازپرداخت کلیه هزینه‌ها به‌خصوص هزینه‌های اکتشاف به‌عهد دولت میزبان است و از این جهت پیمانکار هیچ‌گونه ریسکی را متقبل نمی‌شود و کلیه هزینه‌های انجام‌شده همراه با بهره متعلقه و حق الزحمه به پیمانکار بازپرداخت می‌شود (امیرمعینی، ۱۳۸۵، ۱۰۳).

قرارداد خدمت با ریسک

در این قرارداد پیمانکار کلیه هزینه‌های اکتشافی و توسعه منابع هیدروکربنی را به‌عهده می‌گیرد، در مقابل اگر فعالیت‌های اکتشافی موفقیت‌آمیز بود کشور میزبان کلیه هزینه‌های سرمایه‌ای پیمانکار را بازپرداخت کرده و بخشی از درآمدهای آتی پروژه را نیز به‌عنوان حق الزحمه و پاداش به پیمانکار پرداخت می‌کند (Zuhairah, 2014: 36).

این نوع قرارداد تشابه بسیاری با قراردادهای نوع مشارکت در تولید دارد. زیرا در این‌گونه قراردادها بخشی از درآمد و یا سود آتی پروژه در مقایسه با سهمی از تولید در